



طرح به مناسبت وفات حضرت ام البنین (س) - 21 / اسفند / 1395

درباره‌ی مصیبت حضرت ابوالفضل (علیه الصلاة و السلام) به نظرم میرسید که یکی از بخشهای مهم و جذابی که میتواند این مصیبت را بیان کند، همان زبان حال مادر حضرت ابوالفضل است ؛ همان «لا تدعوتی ویک ام البنین»، یا آن شعر دیگری که به ایشان منسوب است. خب، این دو تا شعر است. البته اینها ترجمه‌ی شعری هم شده، ترجمه‌ی خیلی جالبی نیست، خیلی قوی نیست ؛ اما خود این یک عرصه است: مادری است ؛ صورت قبر چهار جوانش را که در کربلا شهید شدند، در بقیع میکشد و نوحه‌سرائی میکند و حماسه می‌آفریند.

[1390/خرداد/25](#)

لا تدعوتی ویک ام البنین تذکرینی یلیوث العرین
وای بر تو مرا دیگر مادر پسران مخوان که مرا به یاد شیران بیشه ام می اندازی

کانت بثون لی ادعی بهم و الیوم اصبحت و لا من بنین
من پسرانی داشتم که به خاطر آنان مرا ام البنین می خواندند ولی امروز دیگر پسری ندارم

أربعه مثل نسور الرئی قد واصلوا الموت بقطع التوتین
چهار پسر که مانند عقاب های کوهسار بودند و با بریده شدن رگ حیات یکی پس از دیگری به مرگ پیوستند

تنازع الخرصان اشلأهم فکلهم أمسى صریعا طعین
بر سر نعش آن ها نیزه ها به ستیزه برخاستند و همه آنان از زخم نیزه به خاک افتادند

یا لیت شعری أ کما أحبروا بأن عباسا قطیع الیمین
ای کاش می دانستم آیا چنان که خبر دادند ؛ عباس من دست راستش قطع شده بوده است؟